

تبیین مبانی نظم اجتماعی در شهر اسلامی براساس شریعت اسلامی

اصغر مولائی*

چکیده

نظم یکی از ویژگی‌های اصلی خلقت الهی است و جایگاهی بسیار رفیع در مبانی دین مبین اسلام، به‌ویژه قرآن کریم و اندیشه‌های متفکران مسلمان دارد. نظم در شهر اسلامی متأثر از اصل بنیادین وحدت در نظام جامعه اسلامی که در ابعاد مختلف آن تجلی یافته است. در شهر اسلامی نظم اجتماعی یا برگرفته از اصول و تعالیم دین مبین اسلام بوده یا هماهنگ با تعالیم اسلامی بوده که در زندگی روزمره مسلمانان جاری می‌باشند، به‌طوری که رعایت این اصول و حقوق در شهر اسلامی به‌عنوان جزئی از عقاید و حقوق مسلم برای مسلمانان پذیرفته می‌شود. این پژوهش با هدف تبیین اصول، مبانی و ویژگی‌های نظم اجتماعی در شهر اسلامی از دیدگاه متفکران مسلمان و با روش تحقیق تحلیل کیفی محتوای متون و ابزارهای مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. در این راستا با اتکا بر نظریه احکام ثابت علامه طباطبایی، تعاریف و ویژگی‌های شهر اسلامی مورد تحلیل و مطالعه قرار گرفته است. عمل به قوانین و احکام شریعت و توجه به آنها در تصمیم‌ها و اقدام‌ها، همان نظم‌مداری و وحدت‌گرایی است. حیات و پایداری اجتماعی شهر اسلامی با نظم و وحدت عجین بوده و اختلال در نظم شهری با آشوب و بحران و زوال همراه خواهد بود. مهم‌ترین قاعده تنظیم‌کننده روابط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در شهر اسلامی نظم اجتماعی همان قوانین و احکام شریعت از جمله قاعده حلال و حرام است که به رفتارها، تعاملات و امور مسلمانان در شهر اسلامی نظم می‌بخشد. نظم اجتماعی می‌بایست در اموری همچون نحوه حضور افراد در اجتماع، داد و ستد، خرید و مصرف، گردش و تفریح قابل ملاحظه باشد. واژگان کلیدی: شهر اسلامی-ایرانی، نظم اجتماعی، وحدت، قوانین شریعت، جامعه اسلامی.

* استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه و بیان مسئله

نظم یکی از ویژگی‌های خلقت خداوندی، نشانه‌های خالق و ناظم هستی بوده و دین مبین اسلام در آیات و احادیث متعدد مسلمانان را به نظم توصیه نموده است. نظم برای انسان و مجتمع‌های زیستی، امری ضروری و بدیهی است؛ چراکه نبود نظم، منجر به بی‌نظمی، آشوب، بحران و تباهی و نابودی می‌شود. زندگی انسان‌ها در جوامع نیازمند نظم جامع و احکام و قوانینی است که امور جاری بین افراد جامعه را تنظیم نموده و آنها را به سوی غایتی مطلوب هدایت نماید. در خصوص شهر اسلامی دیدگاه‌های متنوعی از نفی آن تا نگرش‌های کالبدی، اجتماعی و غیره وجود دارد که هر کدام به بیان ویژگی‌های متنوعی در خصوص مبانی، اصول و مشخصه‌های شکلی و محتوایی پرداخته‌اند.

نظم شهر اسلامی به‌ویژه در بُعد اجتماعی، مسئله‌ای است که این پژوهش آن را مورد مطالعه قرار داده است. از نظر ایمس راپاپورت^۱، اندیشمند فرهنگ‌گرا در حوزه مطالعات شهری، سیستم‌های نظم‌دهی حاصل یک خصیصه کلی ذهن بشر است و آن نیاز به نظم بخشیدن به جهان و معنی و مفهوم دادن به آن است. شکل انواع نظم‌ها براساس فرهنگ‌ها متفاوت است. تمامی محیط‌های مصنوع و مجتمع‌های زیستی دارای چنین نظم‌هایی هستند، اما بعضی از آنها به مناطق وسیعی نظم می‌بخشند و به همین دلیل به آنها شهر اطلاق می‌شود. عامل مقدس در تمامی مجتمع‌های زیستی سنتی وجود دارد، چراکه مقدسات مهم‌ترین مفاهیم را بیان می‌کنند... (راپاپورت، ۱۳۸۵، ص ۴۲۶). عالم فرهنگی و به‌ویژه اعتقادات مذهبی مردم، اساس انتظام‌بخشی زیستگاه‌های انسانی بوده است. وی مذهب و مقدسات مردم را عنصر اساسی نظم‌دهی به سکونت‌گاه‌ها دانسته که اغلب به شیوه‌ای نمادگرایانه صورت می‌گرفته است (راپاپورت، ۱۳۸۵). براساس آموزه‌های دینی در اسلام، همه فضاها، مادی و معنوی برای سعادت دنیوی و اخروی انسان و مسلمان خلق گردیده است، همچنان که فارابی (۲۶۰-۳۳۹ق) هدف انسان را سعادت تلقی می‌کند و بر این موضوع تأکید دارد که مدینه فاضله انسان را به سعادت می‌رساند. از نظر فارابی مهم‌ترین معیار در شهر اسلامی، نقش اخلاق اسلامی و مسلمانی در طراحی شهر است (بیات، ۱۳۹۳، ص ۱۴۳). وی در کتاب آراء اهل المدینه الفاضله بیان کرده است "اجتماع وسیله است نه هدف. هدف رسیدن به کمال است که سعادت دنیا و آخرت بدان تأمین شود، اما جوامع انسانی برخی کامل‌اند و برخی غیرکامل. اجتماعات غیرکامل عبارت است از اجتماعات در دیه و محل‌ها و کوچه‌ها و خانه‌ها. هر یک از این اجتماعات غیرکامل ممکن است ناقص‌تر از دیگری باشد، چنان‌که اجتماع، منزلی جزئی است از اجتماع کوچک و اجتماع کوچک، جزئی است از اجتماع محله و اجتماع محله، جزئی است از اجتماع شهر. اجتماعات دیه‌ها و اجتماعات محله‌ها همه تابع اجتماع شهرند.

1. Amos Rappaport

جز آنکه محله‌ها اجزای شهرند، ولی دیه‌ها خادم آن. اجتماع شهر جزئی از ملت است و ملت به شهرها منقسم شوند و جماعت بشری، به ملت‌ها تقسیم گردد" (فارابی، ۱۳۹۳، ص ۷۷-۸۷). این نظم در مقیاس‌های مختلف از کوچه، محله، شهر و ملت در قالب نظم سلسله مراتبی است که نوعی سیر از کثرت به وحدت می‌باشد که از ضروریات نظم اجتماعی است.

علامه طباطبایی پیدایش جامعه را مبتنی بر اصل استخدام تحلیل می‌کند. انسان‌ها به دنبال منفعت خود هستند و قصد دارند دیگران را به خدمت گیرند، و چون این خصلت مشترک است، مواجهه انسان‌ها با یکدیگر، پیوند اجتماعی را برقرار می‌سازد و این‌گونه اعتبار اجتماع پدید می‌آید. از نگاه علامه طباطبایی، تاریخ با شکل‌گیری جامعه مبتنی بر اصل استخدام آغاز می‌شود و به سبب همان اصل، دچار اختلاف و تنازع می‌گردد. عامل رفع این اختلاف نمی‌تواند امری از درون جامعه باشد، بلکه انبیای الهی (علیهم‌السلام) از سوی خداوند متعال به پشتوانه دین و شریعت آسمانی به سوی جوامع انسانی آمده، آنها را به وحدت و انسجام دعوت می‌کنند و این‌گونه موجب رشد و تکامل آنها می‌گردند. اجتماع صالح که در آن بتوان به سعادت حقیقی رسید، تنها در پرتو آموزه‌های دینی و شرایع آسمانی قابل تحقق است (علامه طباطبایی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۷). دین اسلام سعی دارد در شهر بستری مناسب برای رشد انسان ایجاد کند و برای این رشد به نوعی از ساختار زندگی شهری نیاز است که تمام احکام و شریعت را در خود جای دهد و زمینه را برای تکامل و پویایی انسان فراهم آورد، این مهم حاصل نمی‌گردد مگر روح حاکم بر شهرها تغییر یابد. پس در دوران اسلامی ایران، شهر بیش از هر چیزی ماهیت فرهنگی و اجتماعی پیدا کرد و عناصر کالبدی شهر در این خصوص نقش ایفا کردند و نظم و انسجام شهری از همین منظر به دست آمد. به عبارتی دیگر به علت اهمیت و فراگیر بودن ساخت فرهنگی و اجتماعی، همه چیز در پرتو این کارکردها معنا پیدا می‌کرد (خالدیان و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۵).

تبیین مبانی و ویژگی‌های نظم اجتماعی در شهر اسلامی مهم‌ترین مسئله این تحقیق بوده و می‌کوشد تا ضمن بررسی نظریه‌های موجود در زمینه شهر اسلامی به استخراج این مبانی و ویژگی‌ها بپردازد.

۲. اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف پژوهش حاضر تبیین و روشن کردن جایگاه نظم اجتماعی در شهر اسلامی است. به عبارت دیگر در این پژوهش سعی بر روشن نمودن این موضوع است که دین مبین اسلام دارای اصول و مبانی بنیادی نظم در ابعاد مختلف زندگی مسلمانان است که براساس آن شهر اسلامی توصیف و تحلیل می‌شود. در این راستا پرسش‌های پژوهش حاضر عبارت است از: اصول و مبانی

نظم اجتماعی در شهر اسلامی چیست؟ ویژگی‌ها و معیارهای عملی نظم اجتماعی، در شهر اسلامی کدامند؟

۳. پیشینه پژوهش

مطالعات و پژوهش‌های موجود در خصوص شهر اسلامی و ابعاد اجتماعی آن را می‌توان در چند بخش بررسی نمود. گروهی چون پلانپول، هاموند و ستین، نقش اسلام را در پیدایش شهرهای اسلامی نفی یا منفی ارزیابی می‌کنند. این‌گونه نظریات را نخستین بار سواژه مطرح کرد و سپس، گرونباوم و پلانپول تکرار کردند. از دید این گروه، فرهنگ و تعالیم اسلام ضد حرکت تمدنی است و به شهر فقط از دید مذهبی نگاه می‌کند و نه سیاسی (حکیم، ۱۳۸۱، ص ۳۵۹). همچنین دستاوردهای عظیم شهر اسلامی را تقلید از یونان و روم می‌دانند. برخی از صاحب‌نظران، نگرشی تمدنی به شهر اسلامی داشته و معتقدند که اسلام دارای فرهنگی جامع و عمومی فراتر از اعمال مذهبی است. از نظر هیلن براند در طول زمان بسیاری از سنت‌هایی که با ارزش‌های اسلامی انطباق نداشتند، متروک شدند، اما سایر سنت‌ها با اصلاحات جزئی، به صورت بخشی از تمدن اسلامی درآمد با مقایسه اجمالی دو دین ابراهیمی اسلام و مسیحیت به نکات جالب توجهی برمی‌خوریم. مورخان هنر غرب، هنگامی که اصطلاحات عمومی معماری فرهنگ خویش را شرح می‌دهند، از مسیحی نامیدن آن اجتناب می‌ورزند و به جای آن از واژه «غربی» یا «اروپای غربی» استفاده می‌کند (هیلن براند، ۱۳۷۷). برخی دیگر از نظریه‌پردازان نگاهی چندبعدی به‌ویژه فرهنگی و اجتماعی به شهر اسلامی دارند. از نظر اتینگهاوزن مزیت تعبیر اسلامی در آن است که برخلاف تعبیر مسیحی، نه تنها به یک دین که به یک فرهنگ عمومی هم اطلاق می‌شود، زیرا در اسلام جدایی دین از دولت حتی به‌گونه‌ای نظری معنا و مفهوم ندارد. افزون بر این، برخلاف مسیحیت؛ دین اسلام را در آغاز افراد معدودی گسترش ندادند، بلکه اسلام با ایجاد دولتی عظیم که پیروانش با این مفهوم بیگانه بودند توانست بر شمار پیروان خود بیفزاید و به تدریج، خصیصه‌های فکری و هنری خویش را دامنه بخشد و پس از چند سده به امپراتوری شکوفایی تبدیل شود و از این ره‌گذر، فلسفه، هنر و آموزه اجتماعی خاص خود را پدید آورد (اتینگهاوزن، ۱۳۷۸، ص ۱) اسلام هم یک سنت دینی و هم یک تمدن است (عثمان، ۱۳۷۶، ص ۵؛ موریس، ۱۳۸۱، ص ۳۵).

پورجعفر و همکارانش (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «انواع شهر اسلامی و اشاره‌هایی به نحوه شاخص‌سازی در راستای شهر آرمانی اسلامی» پس از دسته‌بندی موافقان و مخالفان شهر اسلامی، آن را در چهار دسته شامل شهر مسلمانان، شهر امت اسلامی، شهر اسلامی، شهر آرمانی اسلامی تعریف و شاخص‌سازی نموده‌اند. نقی‌زاده (۱۳۹۴) در پژوهش‌های متعددی سعی در

تبیین شهر اسلامی از دیدگاه قرآن به تبیین صفات و ویژگی‌های قرآنی شهر اسلامی را از قبیل تقوا، عدالت، ایمان و... پرداخته است. دانشپور و روستا (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «چارچوب مفهومی اجتماع پایدار در جهان‌بینی اسلامی و سنت شهرسازی مسلمانان» به تبیین رئوس و ابعاد و راهبردهای شکل‌گیری اجتماع پایدار پرداخته‌اند. کلاتری خلیل‌آباد و همکارانش (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی با عنوان «مؤلفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی و اسلامی» شهر اسلامی را از بعد اجتماعی مورد کاوش قرار داده و راهکارهایی ارائه داده‌اند.

لیتکوهی و سنجرى (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان «مقایسه معیارهای کیفیت زندگی شهری در نظریات معاصر و مفاهیم استخراج شده در خصوص شهر اسلامی بر مبنای علل چهارگانه معماری» به بررسی صفات شهر اسلامی از منابع دینی، روایات و احادیث و مطابق با علل مادی، صوری، غایی و فاعلی پرداخته است که علل غایی بیشترین تأکید توجه را به همراه داشته است. به خالدیان، ستار و همکارانش (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تبیین جایگاه اسلام در روند شهرنشینی و سازمان فضای شهری ایران» به بررسی تأثیر اسلام بر روند شهرنشینی و ساخت و سازمان فضایی شهری پرداخته است. به گمان پژوهشگران این تحقیق، اسلام به صورت غیر مستقیم و ابتدا بر روی سازمان اجتماعی و ساختار زندگی شهری در ایران تأثیر داشته و در نتیجه این تغییر سترگ سایر شاخصه‌های شهری نیز، که در ساخت سازمان فضایی مؤثرند، تغییر یافته است. جهانبخش و دلزنده (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بازشناسی اصول و مؤلفه‌ها و شاخص‌های فطری سازمان‌بندی شهر اسلامی با رویکرد اجتماعی کالبدی» به تبیین مبانی و ویژگی‌های فطری شهر اسلامی با تأکید بر نظریه فطرت شهید مطهری پرداخته‌اند. از این دیدگاه اصول شهر اسلامی بر مبنای ویژگی‌های فطری انسان و تحلیل هست‌ها و بایدهای کالبدی اجتماعی شهر و دسته‌بندی آنها در پنج گرایش فطری تشریح شده است. این گرایش‌ها بنا به نظر شهید مطهری شامل حقیقت‌جویی و رسیدن به کمال، خیر و فضیلت، جمال و زیبایی، خلاقیت و ابداع و گرایش به عشق و پرستش می‌باشند.

بیات (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «رویکرد اسلامی به شهر؛ ویژگی‌های شهر اسلامی» مؤلفه‌های شهر اسلامی را از دیدگاه سه تن از متفکران مسلمان، فارابی، ابن‌خلدون و خانم ابراهیم بررسی نموده است. چارچوب نظری این تحقیق بر سه مؤلفه انسان (مسلمان)، فضای اجتماعی (فضای مسلمانی) و فضای کالبدی (سیمای شهر) تأکید می‌نماید. مؤلفه‌های شهر اسلامی شامل مسجد، خانه، بازار، محله و میدان است که در ساختاری ترکیبی فضای شهر اسلامی را ترسیم می‌کنند. به‌طور کلی می‌توان گفت در پژوهش‌های موجود با وجود تعدد پژوهش‌ها و تعاریف و ویژگی‌های شهر اسلامی، در خصوص نظم شهر اسلامی و به‌ویژه نظم اجتماعی و معیارها و شاخص‌های آن پژوهش جامع و کاربردی انجام نشده است.

۴. مبانی نظری

۴-۱. واژه‌شناسی

نظم در فرهنگ لغت عمید به معانی کلام موزون و مقابل نثر؛ سخن راست کرده بر وزن و شعر؛ چامه؛ پیوسته؛ سرود؛ نظام؛ مروارید به رشته کشیده، ترتیب؛ آراستگی، سامان، پیوستگی؛ انتظام؛ به سامانی، روابط منظم بین ستاره‌ها؛ انجام کاری؛ تناسب منطقی بین کلمات و جملات با معانی آن آمده است (عمید، ۱۳۷۱، ص ۱۲۱۳). واژه‌های هم‌خانواده نظم همچون نظام و انتظام نیز به معانی نظام الهی و سیاسی؛ پایه و قوام و ملاک هر چیزی؛ ترتیب نیکو دادن و سامان و نوا داشتن؛ پیوستگی و به سامانی و آراستگی می‌باشند.

نظم همچون در ادبیات و دیوان‌ها و متون نثر ایرانی به‌ویژه در آثار فردوسی، ناصر خسرو، خاقانی، حافظ و مولوی نیز از جایگاه اساسی برخوردار است. نظم به مفهوم نظم در توصیف زیبایی و آراستگی ادبی، خلقت، نظم طبیعی و فردی به کار رفته است. از این ابیات مشخص می‌شود که کلیدواژه نظم یکی از ارکان خلقت الهی و خلاقیت ادبی شاعران و ادیبان می‌باشد. پیروی از نظم الهی در آفرینش نظم ادبی و فروتنی و عجز در برابر زیبایی‌های نظم الهی از نکات مهم این ابیات است.

پی افگندم از نظم کاخی بلند که از باد و بارانش نیاید گزند

(شاهنامه فردوسی، ستایش سلطان محمود، ۶۳)

نگه کردم این نظم سست آمدم بسی بیست ناتندرست آمدم

(شاهنامه فردوسی، سخن فردوسی، ۲)

انسجام و ایجاد یک مجموعه منظم (ارتباط و پیوند ساختاری عناصر) بسامان همچون رشته‌ای از دانه‌های مروارید از ویژگی‌های یک مجموعه منسجم و واجد نظم، است. نظم همچنین در آیات قرآن کریم^۱ نیز از جایگاه خاصی برخوردار است. در آیات قرآن کریم، نظم به معانی نظم آفرینش و شب و روز و نشانه‌های برای و نشانه‌های برای تفکر؛ قدر و اندازه برای تمامی مخلوقات؛ حساب و نظم در کار خورشید و ماه؛ حساب و نظم در افلاک؛ مقدار و اندازه مشخص برای هر شیء می‌باشد. نظم همچنین در احادیث شیعه^۲ نیز بسیار تأکید شده است. در احادیث شیعه به معانی

۱. «الذی خلق فسوی؛ همان کسی که پس از خلق، هماهنگی بخشید» (اعلی، ۲)؛ «إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ؛ ما هر چیز را آفریدیم اما به اندازه‌ای و هر چیز قدر و اندازه دارد» (قمر، ۴۹)؛ «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا؛ هر چیزی اندازه دارد» (طلاق، ۳)؛ «وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ؛ یعنی هر چیزی نزد خدا اندازه دارد» (رعد، ۸).

۲. «أوصیکما و جمیع اهلی و ولدی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم» شما را (ای حسن و حسین) و همه خانواده و فرزندانم و هرکس را که نوشته من به او می‌رسد، به تقوای الهی و نظم در کارهایتان سفارش می‌کنم (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

آگاهی، نظم، زندگی؛ رعایت نظم؛ تقوی و نظم در امور؛ برنامه‌ریزی روزانه؛ دوراندیشی و اندیشه درباره فرجام امور؛ برنامه‌ریزی در زندگی؛ تدبیر و عقلانی می‌باشد.

۴-۲. فلسفه نظم از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

نظم را می‌توان یکی از ویژگی‌های فطری خلقت الهی و انسان برشمرد. انسان حقیقتی است که در مقام علم و عمل با فطرت زندگی می‌کند. معرفت و آگاهی و بینش فطری و گرایش عملی انسان است که تحمیلی نیست؛ بلکه همه‌گیر و همگانی است و نمی‌توان آن را زایل کرد (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۲۶). از نظر شهید مطهری گرایش‌های فطری به صوب کمال وجودی است و همه آن زیرمجموعه کمال‌خواهی مندرج‌اند. این گرایش‌ها شامل ۱. گرایش به حقیقت‌جویی؛ ۲. گرایش به خیر و فضیلت؛ ۳. گرایش به جمال و زیبایی؛ ۴. گرایش به خلاقیت و ابداع؛ ۵. گرایش به عشق و پرستش می‌باشد (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۷۴).

قرآن کریم از "فطرت" به‌عنوان مبنای ثابت و بی‌زمان و مکان مخاطب قرار دادن همه انسان‌ها نام برده و سنت الهی نیز بی‌بدیل و تغییر وصف شده است. بر این مبنا می‌توان از جمله تجلیات سنت در انسان را همان فطرت ثابت دانست که هر آنچه در عالم تحت ثبات قرار می‌گیرد بر مبنای سنتی الهی است. در قرآن کریم در آیاتی چند به عدم تغییر سنت الهی به‌عنوان امر بی‌بدیل و بی‌تحویل اشاره می‌شود که «... هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی‌یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت» (فاطر، ۴۳؛ کرباسی، ۱۳۹۱، ص ۶۵).

فارابی در طرح مدینه فاضله، ساختار اجتماعی انعطاف‌پذیری را مطرح می‌نماید. در سازمان از طبقات اجتماعی کاست‌گونه خبری نیست. وی پیشنهاد می‌کند که در شهر، هر شهروندی باید یک پیشه داشته باشد تا همگان در شهر تأثیرگذار باشند (ابوالحسنی، ۱۳۸۷، ص ۷۲). فارابی هرچند اذعان دارد که زندگی انفرادی برای انسان ممکن است، اما معتقد است اگر انسان بخواهد راه سلامت و سعادت را در پیش گیرد راهی جز زندگی اجتماعی براساس تعاون ندارد (فارابی، ۱۳۵۸، ص ۴۹).

در اصطلاح حکمت متعالیه و قبل آن کتاب تکوین و تشریح یا کتاب تدوین مطرح بوده به همین دلیل نمی‌توان این دو را از ابداعات ملاصدرا دانست چون قبل او هم در آثار فلسفی متفاوتی تکوین و تشریح با یکدیگر تکراری مطرح شده‌اند. مخاطب امر تکوینی جهان و نظم حاکم بر جهان است در چنین اموری هیچ‌گاه عصیان وجود ندارد، مثلاً خورشید هیچ‌گاه نمی‌تواند بگوید من امروز دلم می‌خواهد از سمت دیگر طلوع کنم، اما در امر تشریحی، عصیان اتفاق می‌افتد و جبری در کار نیست. به تعبیر ملاصدرا بشر آزاد است که هر کاری می‌خواهد انجام بدهد، اما سعادتش در این است که راه مستقیمی که خدا برای سراسر جهان قرار داده است را برود. به عبارتی

از نظر ملاصدرا رسیدن به کمال انسانی زمانی اتفاق می‌افتد که انسان در گردونه مقررات که همان نظم عمومی است قرار بگیرد. به تعبیر ملاصدرا نظم عمومی عبارت است از مقرراتی که برای بشر با مقررات جهانی حاکم بر هستی منطبق است (محقق داماد، ۱۳۹۴).

نظم در تعریف خود فلسفه هم وجود دارد. فلسفه ادراک نظام وجود و نظام عالم است، آن چنان که هست، علاوه بر آن تبیین نظام وجود بدون شناخت حقیقت اشیا امکان‌پذیر نیست. در ضمن پی بردن به نظام عالم امری عقلی است، یعنی عقل درک می‌کند ولی خیال خیر. به همین دلیل اول خدا بوده است بعد عقل به وجود آمده است به عبارتی نظم مطلق را خدا درک می‌کند و ما به اندازه خودمان از آن شناخت پیدا می‌کنیم. به این ترتیب نظم هم در عالم کبیر وجود دارد و هم در عالم صغیر، هم در آفاق وجود دارد و هم در انفس چون یک مبدأ دارد و به یک اصل الهی برمی‌گردد (اعوانی، ۱۳۹۴). خداوند ناظم، خالق، صانع و مبدع است و همین خدا انسان نظم‌شناس به وجود آورده است، اما این انسان نظم‌شناس که از نظر شریعت تکلیفش روشن است، تکلیفش با خودش روشن نیست و خاطر همین بی‌نظمی می‌کند. افراط و تفریط فقط مخصوص آدم است و گرنه هیچ فرشته‌ای کار فرشته دیگری را انجام نمی‌دهد (دینانی، ۱۳۹۴).

ایجاد نظم عمومی در جامعه یک قاعده طبیعی است و مخالفت با نظم عمومی فساد به وجود می‌آورد، مثلاً تصور کنید در عالم یک خدای دیگری هم وجود داشت، در این صورت نظم عالم به هم می‌خورد و اگر نظم عالم به هم می‌خورد فساد دنیا را فرامی‌گرفت. اقتضای نظم تکوینی در عالم این است که خداوند آدم‌ها را هدایت کند، به همین ترتیب دو نوع هدایت وجود دارد: هدایت ارائه طریق یعنی اینکه فقط نشانی را می‌پرسند و ما به کسی که نشانی را پرسیده آگاهی و راه را نشان می‌دهیم ولی در گونه دیگر هدایت وقتی کسی نشانی می‌پرسد دستش را می‌گیرند و به نقطه غایت می‌رسانند مثل یک کودکی که او به مقصدش می‌رسانیم. از آنجایی که برای موجودی مثل انسان که شعور و آگاهی دارد رساندن و دستش را گرفتن نوعی توهین محسوب می‌شود خداوند انسان را به وسیله قانون و قرآنی که فرستاده ارائه طریق کرده است. معنی مدینه "نظم" است نه "شهر". مصادیق مخالفت با نظم عمومی از نظر امام علی علیه السلام بدعت یا فتنه نامیده شده است و ایشان بارها فرمودند که علم‌دار بدعت و فتنه نشوید یعنی در قانون نوآوری نکنید و هنجارهای آن را نشکنید؛ علاوه بر آن در قرآن هم خروج از نظام فلسفه نظری و انکار به توحید کفر و فسق نامیده شده است. نتیجه آنکه جامعه بدون نظم یک جامعه بیمار است ولی راه درمان و علاج برای آن وجود دارد، جامعه با نظم مثل بدن انسانی است که در آن هر عضوی کار خودش را به درستی انجام می‌دهد (خامنه‌ای، ۱۳۹۴). نظم اجتماعی در راستای نظم الهی بوده و نظم الهی از طریق شریعت اسلامی یعنی احکام و قوانین اسلامی که تکالیف مسلمانان را مشخص نموده است،

محقق می‌شود. نظم اجتماعی که باید دنباله‌رو نظم الهی باشد برای رسیدن به سعادت نیازمند زندگی اجتماعی و تعامل با اجتماع هست که قوانین شریعت به‌عنوان تنظیم‌کننده و سیستم انتظام‌بخش شهر اسلامی عمل می‌نماید.

۴-۳. شهر اسلامی

مهم‌ترین قاعده تنظیم‌کننده روابط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در شهر اسلامی قاعده حلال و حرام است. علل احکام و مقرراتی که در جامعه اسلامی اجرا می‌شود، دو قسم مختلف می‌باشد: احکام ثابت غیرقابل تغییر و احکام و مقررات قابل تغییر. احکام و قوانین آسمانی اسلامی که به واسطه وحی به رسول اکرم نازل شده و ما آنها را شریعت اسلام و احکام الله می‌نامیم، به موجب مدارک قطعی که در کتاب و سنت است، مقرراتی است ثابت و غیرقابل تغییر و اجرای آنها و مجازات متخلفین آنها به دست مقام ولایت و رهبر اسلامی انجام می‌گیرد. مقررات اسلامی بر دو قسمند، و به عبارت دیگر در جامعه اسلامی دو نوع مقررات اجرا می‌شود:

الف) قوانین ثابت و ابدیت دین و شریعت: احکام آسمانی و قوانین شریعت که مواردی ثابت و احکام غیرقابل تغییر می‌باشند، اینها یک سلسله احکامی هستند که به وحی آسمانی به‌عنوان دین فطری غیرقابل نسخ بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده‌اند و برای همیشه در میان بشر واجب الاجرا معرفی گردیده، چنان‌که در آیه اشاره می‌شود: «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»؛ (با همان فطرتی که خدا مردم را بر آن سرشته است ... تغییری در آفرینش خدا نیست. آیین پایدار همین است) (روم، ۳۰)؛ و در سنت نیز وارد شده: "حلال محمد حلال الی یوم القیامة و حرام محمد حرام الی یوم القیامة"؛ حلال محمد حلال است تا روز قیامت و حرام محمد حرام است تا روز قیامت" (کلینی، ۱۴۰۱). در میان همین قوانین مدنی نیز نمونه‌های بسیار از مواد ثابت داریم، مانند: وجوب زندگی اجتماعی، و اصل دفاع از مقدسات، و اصل اختصاص مالی، و تأسیس حکومت و نظایر آنها. پس در هر قانون و روش اجتماعی که فرض شود از یک رشته مواد ثابت چاره‌ای نیست، و مواد و قوانین ثابت که اسلام تشخیص می‌دهد، احکامی است که مجموعاً شریعت نامیده می‌شود.

ب) قوانین متغیر و مصلحت جامعه: مقرراتی است که از کرسی ولایت سرچشمه گرفته، به حسب مصلحت وقت وضع شده و اجرا می‌شود، این نوع مقررات در بقا و زوال خود تابع مقتضیات و موجبات وقت است و حتماً با پیشرفت مدنیات و تغییر مصالح و مفسدات تغییر و تبدیل می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۷۵-۷۹). این احکام و مقررات جنبه موقتی و محلی داشته و با اختلاف طرز زندگی، اختلاف پیدا می‌کنند. این بخش با پیشرفت تدریجی مدنیت، تغییر و تبدیل قیافه اجتماعات و به وجود آمدن و از بین رفتن روش‌های تازه و کهنه، قابل تغییر است.

جدول ۱: بررسی علل اربعه برای نظم اجتماعی شهر اسلامی (مأخذ: نگارنده)

علل اربعه	شهر اسلامی
علت مادی	مسجد به عنوان کانون اجتماعی و فرهنگی شهر - وحدت و یکپارچگی اجتماعی؛ امکانات عام‌المنفعه به‌ویژه بازار اسلامی - خانواده‌ها، خانه‌ها و محله‌ها؛ فضاهای عمومی امن - آیین‌ها و رویدادهای اجتماعی و فرهنگی - قوانین شریعت - تعاملات اجتماعی
علت صوری	امت اسلامی - اجتماعات یکپارچه - آیین‌ها و رویدادهای اسلامی (برگزاری نماز جماعت) - حجاب و عفاف - احکام اسلامی و قوانین شریعت
علت فاعلی	حاکم شهر اسلامی - مسلمانان - فرهنگ اسلامی - ایرانی - حکومت اسلامی - مدیریت شهری و نمایندگان مردم - حرفه‌مندان و متخصصان
علت غایی	تشکیل جامعه اسلامی - مدینه فاضله - نیل به سعادت دنیوی و اخروی - اجرای احکام اسلامی - حق الله و حق الناس - انجام واجبات و ترک محرمات - رضایت پروردگار

دین مبین اسلام دارای شیوه زندگی، با ایده‌آل‌ها و آرمان‌های اجتماعی و نگرشی بر مدار ارزش‌ها است و نه قوانین خودکامه غرب و یا قوانین مبتنی بر مکتب رئالیسم غرب (مطهری، ۱۳۸۷). اسلام دربرگیرنده بسیاری از اصول نظام اجتماعی است که سبب هماهنگی زندگی و ارتقای ابعاد اجتماعی - فرهنگی می‌شود. جامعه و جماعت یکپارچه، متحد و متعهد در اسلام مورد توجه ویژه قرار گرفته است. خداوند بزرگ بر وظیفه الهی هر مسلمان در حفظ یکپارچگی اجتماعی یعنی تشکیل امت واحد تأکید دارد. دین اسلام پذیرای تمام مردم، صرف نظر از نژاد و عقیده است و بر عدالت اجتماعی ارجح می‌نهد. این خود تنظیم‌کننده اجتماع است (پورجعفر و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۴). بنابراین مساوات و برادری، عدالت اجتماعی و وحدت و یکپارچگی اجتماعی، فارغ از نژاد و عقیده، مهم‌ترین وجه نظم اجتماعی در شهر اسلامی محسوب می‌شود که مسلمانان را به سمت سعادت هدایت می‌نماید.

از نظر احمد اشرف (۱۳۵۳ق)، شهرهای دوران اسلامی ضمن تأثیرپذیری از زندگی شهری ساسانی دارای ویژگی‌هایی هستند که آنها را از شهرهای پیش از اسلام جدا می‌کرد. در این دوره به علت گسترش امپراتوری اسلامی، بازار مبادلات در قرن‌های سوم و چهارم شهرنشینی رونق فراوان یافت و سیمای شهر دگرگون شد. در دوره اسلامی سازمان‌های دینی در شالوده زندگی شهری اهمیت زیادی پیدا کرد و مسجد آدینه (مسجد جامع) از اجزای اصلی نظام اجتماعی شهر شد (اشرف، ۱۳۵۳، ص ۱۰-۱۲). شهرهایی که فرمانروایان اسلامی بنا نهادند دو پایه اصلی داشت، یکی مسجد جامع و دیگر بازار. مسجد جامع در اوایل دوران اسلامی مرکز مذهبی و سیاسی بود ... در سوی دیگر مسجد جامع و بازارها قرار داشتند. محله‌های مسکونی گرداگرد بازارها جای داشت و در هریک از محله‌های شهرهای نو بنیاد مردمی می‌زیستند که از گروه قومی خاصی بودند

(همان، ص ۱۹). عناصر اصلی زندگی شهری در دوره اسلامی شامل حکومت، امت، اصناف و محلات است؛ بنابراین اجزای اصلی نظام اجتماعی شهرها با اجزای سیمای شهر رابطه نزدیک دارد. قهندز و دارالحکومه مرکز اداری و حکومت شهر، مساجد و مدارس مذهبی، بازار مرکز اصناف، و محلات شهر مرکز زندگی گروه‌های اجتماعی، قومی، نژادی و مذهبی است (همان، ص ۲۴).

شهر در فرهنگ اسلامی با افرادی که در آن زندگی می‌کنند، هویت می‌یابد. کلمه شهر، جامعه را به یاد می‌آورد که باید منسجم، گرم و متحد باشد. در این صورت، خیابان‌ها و کوچه‌ها به منزله راهرو و خانه‌ها به منزله اتاق‌هایی هستند که خانواده از آنها استفاده می‌کند (بمات، ۱۳۸۷، ص ۶۳۳). نگاه اجتماعی به شهر در فرهنگ اسلامی سبب می‌شود که جوامع شهری بر جوامع روستایی برتری داشته باشد، زیرا اهداف عقیدتی و مذهبی اسلام در شهر راحت‌تر به دست می‌آید. از نظر کاستللو، اسلام به‌عنوان یک دین، عامل اصلی و مؤثر بر فرهنگ و روابط اجتماعی محسوب می‌شود؛ چراکه قوانینی دارد که بر برابری تمامی مردمی که به آن ایمان می‌آورند، تأکید دارد (کاستللو، ۱۳۶۸، ص ۳۴-۳۶). در همین زمینه امام علی (علیه السلام) در نامه‌ای به حارث همدانی فرموده‌اند: در شهرهای بزرگ سکونت کن زیرا مرکز اجتماع مسلمانان است و پرهیز از جاهایی که مردم آن از یاد خدا غافلند و به یکدیگر ستم روا می‌دارند و بر اطاعت از خدا به یکدیگر کمک نمی‌کنند (نهج البلاغه، نامه ۶۹).

شهر مسلمانان به شهری اطلاق می‌شود که یک یا مجموعه‌ای از خصوصیات زیر را دارا باشد، در دوره اسلامی ایجاد شده و رشد یافته باشد؛ توسط مسلمانان بنا شده باشد؛ در محدوده کشورهای مسلمان‌نشین واقع شده باشد؛ شهر کم و بیش از اصول و تعالیم اسلامی بهره‌مند باشد (نقی‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۲۲). شهر مسلمانان، شهری است که مسلمانان هر دیار آن را تا حدودی براساس قرائت خود از اسلام، منافع و فرهنگ پیشین خود (زرتشتی، هندو، مسیحی و...) برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و مدیریت می‌کنند. شهر اسلامی، شهری است که برای رسیدن به آن؛ براساس آموزه‌های دین مبین اسلام و نه خرده فرهنگ‌ها و عرف جوامع (جهت برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و مدیریت) تلاش شود. شهر آرمانی اسلامی، مدینه فاضله‌ایست بهشت‌گونه، ایده‌آل و آرمانی که برای رسیدن به آن تلاش می‌کنیم و کاملاً براساس دین مبین اسلام برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و مدیریت شود (پورجعفر و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۸).

جدول ۲: انواع شهر اسلامی از دیدگاه صاحب‌نظران

صاحب‌نظر	توصیفات شهر اسلامی	مأخذ پایه
احمد اشرف	تأثیرپذیری شهرهای دوران اسلامی از زندگی شهری ساسانی - عناصر اصلی شهر در دوره اسلامی: حکومت، امت، اصناف و محلات - اجزای اصلی نظام اجتماعی شهرها: قهندز و دارالحکومه مرکز حکومتی شهر، مساجد و مدارس مذهبی، بازار مرکز اصناف و محلات شهر	اشراف، ۱۳۵۳
محمد نقی‌زاده	دسته‌بندی شهر اسلامی در انواع ۱. در دوره اسلامی ایجاد شده باشد؛ ۲. در دوره اسلامی رشد یافته باشد؛ ۳. توسط مسلمانان بنا شده باشد؛ ۴. در محدوده کشورهای مسلمان‌نشین واقع شده باشد؛ ۵. شهر کم و بیش از اصول و تعالیم اسلامی بهره‌مند باشد.	نقی‌زاده، ۱۳۸۸
پورجعفر و همکاران	دسته‌بندی شهر اسلامی در انواع شهر مسلمانان، شهر اسلامی، شهر آرمانی اسلامی	پورجعفر و دیگران، ۱۳۹۴

شهر اسلامی شهری است که همانند تحول ساکنان خود، در حال تحول بوده و همواره خویش را با نیازهای زمان و مکان و اهل خود و با استناد به مفاهیم، اصول و ارزش‌های اسلامی وفق خواهد داد. به عبارت دیگر شهر اسلامی ماهیتی است بالقوه که می‌تواند در هر زمان و مکان با توجه به فناوری، مصالح، دانش، فرهنگ و هنر بومی (که با اصول و ارزش‌های اسلامی در تعارض نباشد) تفسیر و تجلی خاص خود را داشته باشد (نقی‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۲۲).

از نظر خانم لیلی علی‌ابراهیم، متفکر مسلمان، شهرهای اسلامی را باید از طریق قرآن و حدیث تبیین نمود؛ زیرا بسیاری از آیات قرآن و احادیث بزرگان دین مملو از آموزه‌ها و دستورهای است که بر روابط اجتماعی بین افراد و نیز رابطه افراد با محیط اجتماعی تأکید کرده‌اند که به‌کارگیری این آموزه‌ها در تدوین نظام‌نامه و الگوهای رفتاری، مدل متمایزی از شهرنشینی را پیش روی ما قرار می‌دهد. به نظر وی شهر اسلامی یک سنخ عالی می‌باشد که تاکنون دست نیافتنی بوده است. به اعتقاد ابراهیم، آیات قرآن قواعد کلی نظریه را تشکیل می‌دهند و احادیث پیامبر ﷺ اصول اساسی یعنی ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی شهر مسلمانان را تعیین می‌کند. مدل ابراهیم به ارائه الگوهای مدیریت توسعه یافته در مناطق مسکونی می‌پردازد. از طریق این نوع مدیریت، می‌توان به جذب مشارکت جماعت در حفاظت از فضاهای عمومی پرداخت (ربانی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۳؛ بیات، ۱۳۹۳، ص ۱۴۶).

شهرهای دوران اسلامی دارای سازمانی ویژه هستند، برابری شهروندان و امکان دسترسی یکسان آنان به خدمات شهر استوار است. این امر باعث می‌شود که سازمان فضایی در شهرهای این دوران مبتنی بر تعریف مرکز خدمات عمومی، زیرسیستم‌ها، شامل محله‌های نیمه مستقل و مجموعه‌های خدمات و ساختاری باشد که در پیوند با یکدیگر قرار می‌گیرند. در نتیجه ریشه‌های نظم و یکپارچگی موجود اکثر شهرهای جهان اسلام به واسطه مجموعه‌ای از راهبردها و اصول اجتماعی، اجرایی و سیاسی اسلامی است که خود را در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی،

اجتماعی، اقتصادی نشان می‌دهد و این سبب شده است تا برخلاف اختلافات اقلیمی، تاریخی و فرهنگی و قومی شاهد روح مشترکی در شهرهای دوران اسلامی در تمام جهان اسلام باشیم (خالدیان، ۱۳۹۳، ص ۱۲).

جدول ۳: مهم‌ترین ویژگی‌های شهر اسلامی در ارتباط نظم اجتماعی (مأخذ: نگارنده)

نظریه پرداز	اوصاف شهر اسلامی	ارتباط با نظم اجتماعی
فارابی	مدینه فاضله، ضرورت زندگی اجتماعی برای رسیدن به سعادت	زندگی اجتماعی برای نیل به سعادت
علامه طباطبایی	ضرورت زندگی اجتماعی - احکام ثابت و متغیر - قواعد حلال و حرام	نظم اجتماعی با قاعده حلال و حرام
لیلی علی ابراهیم	تبیین شهر اسلامی از طریق قرآن و حدیث - آیات قرآن قواعد کلی نظریه و اصول اساسی یعنی ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی شهر مسلمانان احادیث پیامبر ﷺ تشکیل می‌دهند - ارائه الگوهای مدیریت توسعه یافته در مناطق مسکونی؛ جذب مشارکت جماعت در حفاظت از فضاهای عمومی	نظم قرآنی شهر اسلامی نظم اجتماعی بر پایه احادیث پیامبر
هشام مرتضی	عدالت اجتماعی، یکپارچگی اجتماعی، تعاملات اجتماعی، احترام، مهربانی، تواضع، اعتدال و میانه‌روی	نظم و وحدت اجتماعی، الگوهای اخلاقی در اجتماع، اعتدال
کاستلو	نگاه اجتماعی به شهر در فرهنگ اسلامی - برتری جوامع شهری بر جوامع روستایی - برابری تمامی مسلمانان	عدالت اجتماعی
نجم‌الدین بemat	شهر و جامعه منسجم - گرم و متحد - تمام شهر به‌عنوان یک خانه - تشکر ایمانی و توحیدی در شهر اسلامی بارز است.	انسجام و وحدت اجتماعی، نظم توحیدی
محمد تقی زاده	صفات شهر اسلامی در قرآن: توحید، عبودیت و عبادت، تقوی، هدایت، تفکر، عدالت، اصلاح، شکر، عبرت، امنیت، احسان، میانه‌روی	صفات قرآنی برای شهر اسلامی
سیدحسین نصر	عدالت محوری، سیر از کثرت به وحدت، سیر از ظاهر به باطن	عدالت، سیر از کثرت به وحدت
خالدیان و دیگران	شریعت و احکام اسلامی برای رشد انسان - شهر اسلامی ماهیت فرهنگی و اجتماعی دارد و عناصر کالبدی شهر در خدمت نظم اجتماعی، ساخت اجتماعی، سایر ابعاد شهری را معنادار می‌نماید.	ماهیت اجتماعی و فرهنگی شهر اسلامی - نظم اجتماعی برگرفته از شریعت و احکام اسلامی
اتینگه‌اوزن، عثمان، موریس، ریچارد فرای، هیلن براند	اسلام اساساً دینی شهری و مدنی است - اسلام هم یک سنت دینی و هم یک تمدن است - دین اسلام دارای یک فرهنگ عمومی است.	نگاه تمدنی (نظم فرهنگی و اجتماعی برگرفته از سنت و احکام)
مارسی	رابطه بین ایمان اسلامی و زندگی شهری را مطرح می‌کند.	نقش ایمان در نظم اجتماعی

۵. روش‌شناسی

با توجه به پرسش‌های فوق، تحقیق حاضر نیازمند روش تحقیق تحلیلی-اسنادی است که برای تنظیم مفاهیم و تدوین یک چارچوب مفهومی از روش "تحلیل محتوای کیفی" استفاده شده است. برای بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در یک متن، می‌توان از این روش استفاده نمود. این فن به تحلیل محتوای متون پرداخته و به پژوهشگر کمک می‌کند تا با استفاده از تحلیل، داده‌هایی را

در مورد متن استخراج نماید. تحلیل محتوای کیفی فنی است که به منظور استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آنها به کار می‌رود. تحلیل محتوا قرار دادن قاعده و محتوای ارتباطات در طبقات خاص براساس قواعد و تحلیل روابط بین آن مقوله‌هاست. تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد، به کار می‌آید، بنابراین تحلیل محتوای کیفی روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی، و طراحی الگوهای شناخته شده دانست (دانشپور و روستا، ۱۳۹۲، ص ۱۰).

این پژوهش برای دستیابی به اصول و مبانی نظم در شهر اسلامی؛ براساس شریعت اسلامی از نظریه‌های متفکران مسلمان به‌ویژه دیدگاه‌های علامه طباطبایی و مرتضی مطهری با بررسی آثار و کتب و مقالات مختلف استفاده کرده است. برای روش گردآوری داده‌ها با رویکرد کیفی و از روش تحلیل محتوای متون و استدلال منطقی بهره برده است، بنابراین هدف پژوهش که تبیین اصول، مبانی و ویژگی‌های نظم اجتماعی در شهر اسلامی از دیدگاه متفکران مسلمان با روش تحقیق تحلیل کیفی محتوای متون و ابزارهای مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است که با اتکا بر نظریه احکام ثابت علامه طباطبایی، تعاریف و ویژگی‌های شهر اسلامی مورد تحلیل و مطالعه قرار گرفته است. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان نوعی روش‌شناسی تحقیق در خدمت تفسیر محتوایی داده‌ها دانست. همچنین برای مطالعه مفهوم و تعریف شهر اسلامی از دیدگاه‌های صاحب‌نظران حوزه‌های معماری، شهرسازی و جامعه‌شناسی با توجه به نکات مرتبط با حوزه اجتماعی استفاده و کدبندی شده است؛ چراکه در توصیف شهر اسلامی برخی از صاحب‌نظران صرفاً به ابعاد کالبدی و برخی به ابعاد اجتماعی و برخی توأمان به ابعاد اجتماعی و کالبدی پرداخته‌اند.

فرایند انجام تحقیق به این صورت است که پس از طرح مسئله و ضرورت نظم در شهر اسلامی، به واژه‌شناسی نظم و فلسفه نظم در اندیشه اسلامی از دیدگاه متفکران مسلمان پرداخته شد. در ادامه پس از تعریف شهر اسلامی، مفهوم و جایگاه نظم اجتماعی در شهر اسلامی بررسی گردید. در بخش یافته‌های تحقیق به تبیین مبانی و عوامل انتظام‌بخش به شهر اسلامی در ابعاد اجتماعی پرداخته شده است.

۶. تحلیل یافته‌ها

علامه طباطبایی، جامعه را همانند پیکر زنده‌ای متشکل از عناصر گوناگون می‌داند. جامعه متشکل از اجزای گوناگون (افراد، نهادها و سازمان‌ها) را دارای قوانین و وجودی مستقل و حقیقی دانسته است. از نظر ایشان انسان موجودی اجتماعی است و برای زندگی اجتماعی که از مقتضیات اولیه طبیعت اوست، به نظم، امنیت، تعاون، عدل و داد نیاز دارد تا بتواند با هم‌نوعان خویش روابط

سالمی داشته باشد و با تعاون به زندگی جمعی خود ادامه دهد، البته تأمین این امور جز با ایجاد یک قدرت مدیر و مدبر که ما نام آن را حکومت گذاشته‌ایم ممکن نیست. تحقق عدالت اجتماعی، روابط و مناسبات سالم انسانی و حفظ کیان و کرامت آدمی، جز در پرتو احکام الهی ممکن نیست (جهانگیر، ۱۳۸۳، ص ۱۹-۲۰). نوع حکومت‌های اسلامی را در هر عصر با در نظر گرفتن سه ماده ثابت شرع اسلام باید تعیین نمود: ۱. مسلمین نهایت تلاش برای اتحاد و اتفاق خود بکوشند. ۲. حفظ مصلحت اسلام و مسلمین برای همه واجب است. ۳. مرز جامعه اسلامی اعتقاد است و بس، نه مرزهای طبیعی یا قراردادی (طباطبایی، ۱۳۹۶ق، ص ۱۹۳).

دو نوع احکام ثابت و متغیر در اسلام، منشأ قانونگذاری برای اداره جامعه اسلامی است. شکل اداره جامعه اسلامی، تابع سه ماده ثابت شرعی است: احکام الهی، مصلحت مسلمین، و وحدت امت اسلام (صاحبی، ۱۳۶۸؛ مأخذ پایه: طباطبایی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۱۵-۱۲۲).

از نظر شهید مطهری، پاره‌ای از احتیاجات بشر، چه در زمینه‌های فردی و چه در زمینه‌های اجتماعی، وضع ثابتی دارد و در همه زمینه‌ها یکسان است. نظامی که انسان باید به غرایز خود بدهد "اخلاق" نامیده می‌شود و نظامی که باید به اجتماع بدهد "عدالت" خوانده می‌شود و رابطه‌ای که باید با خالق خود داشته باشد و ایمان خود را تجدید و تکمیل کند "عبادت" نامیده می‌شود، بنابراین قسمتی دیگر از احتیاجات بشر متغیر است و از لحاظ قانون وضع متغیری را ایجاب می‌کند. اسلام برای این احتیاجات متغیر وضع متغیری در نظر گرفته است از این راه که این اوضاع متغیر را با اصول ثابت و لایتغیر مربوط کرده است و آن اصول ثابت در هر وضع جدید و متغیری قانون فرعی خاص و متناسبی تولید می‌نمایند (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۵۹-۶۰).

اسلام دینی است که بنیان خود را بر اجتماع نهاده و این معنا را به صراحت اعلام کرده و در هیچ شأنی از شئون بشری مسئله اجتماع را مهم‌ترین نگذاشته است (طباطبایی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۸) فضای اجتماعی مسلمانی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شهر اسلامی است که ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری و اخلاقیات مبتنی بر دین اسلام را شامل می‌شود. اخلاق در اسلام اساس روابط اجتماعی محسوب می‌شود، بر همین اساس پیامبر اسلام هدف از بعثت خود را مکارم اخلاق ذکر کرده‌اند. اخلاق از آموزه‌های اجتماعی در اسلام است که در روابط بین افراد امکان تجلی می‌یابد (بیات، ۱۳۹۳، ص ۱۴۵).

از دیدگاه شهید مطهری نیازهای انسان بر دو گونه است: نیازهای واقعی که خود ثابت و لایتغیر است و نیازهایی که بیشتر حکم ابزار و وسیله را دارد (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۱۳۴-۱۳۵). نیازهایی که مربوط به معنی زندگی انسان است، ثابت است و نیازهایی که مربوط به شکل و صورت زندگی است، متغیر و متحول است (همان، ۴۷۷)، بر این اساس قوانین اصلی و قوانینی فطری که اصول هستند،

ثابت و لایتغیرند ولی یک سلسله قوانین هستند که فرع و شاخه‌اند و متغیرند (همان، ص ۱۷۵)، چراکه در سیستم قانونگذاری در اسلام برای نیازهای ثابت، قانون ثابت و برای نیازهای متغیر قانون متغیر (همان، ص ۳۲۶).

همچنین آیت‌الله جوادی آملی تعامل انسان را در پنج بخش بررسی نموده‌اند: ۱. تعامل انسان با خود شامل احکام و دستورات و توصیه‌های اسلامی درباره تفکر و تدبّر، یادگیری و دانش‌اندوزی، کار و تلاش، حفظ تن و حرمت اضرار به نفس، نظافت و بهداشت، خوردن و آشامیدن، لباس و پوشش، زینت و آراستگی، مسکن، مسافرت، خواب و بیداری، تفریحات سالم و ورزش؛ ۲. تعامل انسان با هموعان که انجام اعمال و مناسبات عبادی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی را تنظیم می‌نماید؛ ۳. تعامل مردم و نظام اسلامی دارای چهار بخش نظام سیاسی، نظام اجتماعی، نظام شهرسازی و نظام خدمات عمومی و نظام اقتصادی است؛ ۴. تعامل انسان با حیوان که شامل سه بخش است: نگهداری حیوان، بهره‌گیری از حیوان و حقوق حیوان؛ ۵. تعامل انسان با خلقت زیست‌محیطی که شامل نه بخش: محیط زیست، آب و هوا و خاک حاصلخیز، درختان و جنگل‌ها، فضای سبز و مراتع، باد و باران، دریاها و نهرها، راه‌ها، مواد سوختی و گردشگری است (جوادی آملی، ۱۳۹۴).

دین اسلام به مسائل اجتماعی توجه خاصی دارد و فقط جنبه‌های فردی را مورد بررسی قرار نمی‌دهد، راه رسیدن به سعادت را در تشکیل جامعه اسلامی دانسته و تغییر و رشد در یک جامعه را نتیجه تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های همه مردم آن جامعه برمی‌شمرد. در قرآن کریم آمده است خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر خودشان بخواهند (رعد، ۱۱). مسائلی همچون مشارکت اجتماعی، عدالت اجتماعی و مؤلفه‌هایی از این قبیل که در بعد اجتماعی قرار دارند در آیات و احادیث مورد تأکید قرار گرفته‌اند (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۰). بنا به نظر فارابی و ابن‌خلدون، اخلاق از سجایای وجودی فردی است، اما در متن و بطن رابطه با دیگران در فضای زیست اجتماعی متجلی می‌شود و تمام تأکید دین مبتنی بر همین تجلی اخلاق است که در روابط فردی، محیط همسایگی، محیط کاری، فضای اقتصادی و غیره به نمایش گذاشته می‌شود. در شهر اسلامی الگوی روابط بین شهروندان مسلمان و نیز روابط بین شهروندان با نهادهای اجتماعی براساس ارزش‌های اسلامی تنظیم و اجرا می‌گردد (بیات، ۱۳۹۳، ص ۱۴۷). نظم اجتماعی در شهر اسلامی که با غایت نیل به سعادت و با محوریت قوانین شریعت ایجاد می‌شود دارای معیارها و احکام عملی است که کاربست آنها در تبیین نظری و تحقق عملی شهر اسلامی می‌تواند راهگشا باشد. این معیارها و قوانین عبارتند از:

۱-۶. مشارکت اجتماعی؛ فارابی با ذکر مدینه فاضله و ضرورت اجتماعی بودن افراد،

بر موضوع مشارکت تأکید می‌کند و افراد را ملزم به زندگی با مشارکت و تعاون با یکدیگر می‌داند و پیشبرد امور مردم را محتاج به معاونت و کمک امت و ملت به یکدیگر می‌داند. به این ترتیب ضرورت زندگی اجتماعی ایجاب می‌کند که با یکدیگر به شکل مسالمت‌آمیز و در صلح زندگی کنند (فارابی، ۱۳۵۸، ص ۴۹). در اسلام بر مشورت و همفکری و همکاری و تعاون تأکید بسیاری شده است. در آیات ۶۲ و ۶۳ سوره نور مشارکت به گونه زیر تبیین می‌شود: ۱. در هر کار یا فعالیت مهم عموم مردم باید حضور یابند و تعاون و همکاری لازم است؛ ۲. عامل مشارکت و تعاون را باید در ایمان به خدا جست و عدم مشارکت بی‌ایمانی را نشان می‌دهد؛ ۳. دستور به مشارکت در امور ضروری و جمعی تنها ناظر به مبدأ و آغاز تصمیم نیست، بلکه دستور ناظر به بقای آن هم هست؛ ۴. در مسئله تصمیم‌گیری غیبت یک نفر هم آسیب‌رسان است و به هدف نهایی خدشه و لطمه می‌زند؛ ۵. خداوند امور مشارکت را از بسیاری امور دیگر مهم‌تر می‌داند و نیز مصالح جمعی بر مصالح فردی مقدم است؛ ۶. در صورت ترک امور مشارکتی آفت و آسیب وارد خواهد شد (کلاتری و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۱). همچنین همیاری و کمک به نیازمندان و فقرا، مشارکت در مراسمات و رویدادهای اجتماعی، مشارکت در امور خیریه و... نمونه‌هایی از مشارکت اجتماعی در فرهنگ ایرانی اسلامی هستند.

۲-۶. انجام تکالیف دینی: یکی از خصوصیات مهم دین اسلام، توجه و تأکید آن به اجرای احکام و قوانینی برای همه عرصه‌های فردی و جمعی است. این جنبه از اسلام که آن را شریعت خوانده‌اند، چنان تأثیر و مرتبه‌ای در دین و حیات اجتماعی مسلمانان داشته است که برخی محققان گفته‌اند که بدون درک و شناخت احکام و قوانین اسلامی، امکان شناخت اسلام میسر نخواهد بود (ساوری،^۱ ۱۹۷۹، ص ۵۴). این قوانین و مقررات چگونگی تکالیف و وظایف انسان را نسبت به خداوند و به انسان‌های دیگر و جامعه تعیین کرده‌اند. دامنه وسعت و شمول احکام دینی چنان است که تمام لحظات و شئون زندگی فردی و اجتماعی هر مسلمان را از لحظه تولد تا هنگام مرگ دربرمی‌گیرد (خالدیان و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۸). این قوانین و احکام با تقسیم اعمال و کردار انسان به مراتب و وظیفه‌هایی مانند واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح، وظیفه و تکلیف هر فرد را به دقت تعیین کرده‌اند (سلطان‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۲۳۰). در نگاه قرآنی، تنها ضامن حفظ اجتماع، عمل به شرایع الهی برشمرده شده است. آیه ۲۱۳ سوره بقره نشان می‌دهد که خدا انبیا را برانگیخت و با آنان کتاب فرستاد تا به وسیله آن کتاب، اختلاف‌ها را برطرف کرده و وحدتشان را به وسیله قوانینی که تشریح فرموده حفظ کند. ضمن آنکه در بسیاری از شرایع دینی مانند نماز جماعت، جهاد، حج، زکات و... در بستر اجتماع معنا می‌دهند و انجام آنها به حفظ و تقویت امت اسلامی

منجر خواهد شد (دانشپور و روستا، ۱۳۹۲، ص ۱۴). از این رو انجام واجبات و ترک محرّمات، مهم ترین وظیفه اجتماع است که اهتمام همه افراد جامعه را برای تحقق آن می طلبد. تجلی جمعی این تکالیف، اجتماعی واحد و اسلامی را شکل می دهد و الگویی برای جامعه اسلامی خواهد بود.

۳-۶. عدالت اجتماعی: به معنای ایجاد شرایط یکسان برای همه به طور یکسان و رفع موانع برای همه به طور یکسان است (کلاتری و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۰). از نظر شهید مطهری خیر و فضیلت براساس گرایش های فردی و اجتماعی آن بر مبنای جهان بینی اسلامی بر پایه عدالت معنا می یابد. عدالت و عدل به معنای قرار دادن هر چیز سر جای خود، آنکه هر چیز براساس حساب و کتابی آورده شده است و نظم خاصی بر آن حکمفرما باشد. برای عدل چهار معنا مطرح است. موزون و متعادل بودن، تساوی و نفی تبعیض، رعایت حقوق افراد، عطا کردن حق و رحمت به آنچه امکان وجود یا کمال دارد (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۶۷ و ۷۱). در اسلام تعبیر عدالت اجتماعی، مفهومی مطلق است نه نسبی. این تعبیر به عنوان یک نظام اجتماعی، از این حقیقت نشئت می گیرد که خداوند واحد، تمام انسان ها را به طور بالقوه یکسان و برابر آفریده است (دانشپور و روستا، ۱۳۹۲، ص ۱۴).

اعتدال، یعنی میانه روی و حد فاصل میان افراط و تفریط که چنین کاری از نظر اسلام، در همه چیز مطلوب و مؤکد است. قرآن مسلمانان را به سبب پیروی از اسلام به عنوان «امت وسط» یعنی امت معتدل معرفی می کند و می فرماید: «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا؛ و این گونه شما را امت میانه قرار دادیم» (بقره، ۱۴۲). نظام عالم براساس هندسه ای دقیق پی ریزی شده است. همه پدیده های عالم از بزرگ ترین کهکشان گرفته تا کوچک ترین ذرات اتم، از قانون عادلانه خلقت که «حقیقت» نامیده می شود، پیروی می کنند، به تعبیر امام علی (علیه السلام) آسمان ها و زمین در میان بندگان، به حق برپا شده است. اعتدال به طور عام و خاص و نیز در شهر و شهرسازی و مداخلات کالبدی می تواند سرلوحه برنامه ریزی و طراحی و عمل قرار گیرد. توجه به این اصل در مداخلات کالبدی می تواند حد و مرز تغییرات و ایجاد پیچیدگی را تعیین نماید. میانه روی به معنای رفتن در خط وسط که از دو طرف به یک فاصله است و دوری از افراط و تفریط است. در قرآن کریم از این واژه به تعبیر وسط یاد و از آن مدح گردیده است. «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ؛ این چنین شما را امت معتدل قرار دادیم تا گواه بر همه مردمان باشید». امام موسی بن جعفر (علیه السلام) می فرماید: "خیر الامور اوسطها" بهترین کارها میانه آنهاست یعنی میانه روی در هر کاری حتی در عبادت مطلوب و خردمندانه است و زیاده روی و کوتاهی نیز در هر کاری زیان آور و این همان افراط و تفریط است در تمام امور زندگی اعتدال رعایت شود.

۴-۶. نظارت اجتماعی: مهم ترین دستور اسلام در راستای تحقق نظارت اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر است. در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران، امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان

مهم‌ترین نشانه و امتیاز امت اسلامی شمرده شده است، جامعه در اسلام، بر مبنای این فریضه قوام می‌گیرد و این مهم، نه تنها از مسئولیت‌های اجتماعی است، بلکه از حقوق اجتماعی نیز به شمار می‌آید (دانشپور و روستا، ۱۳۹۲، ص ۱۴).

۵-۶. تعاملات مستحکم اجتماعی؛ اسلام به روابط اجتماعی به منظور کاهش انزوای مردم از دیگران و به زندگی اجتماعی در مقیاسی وسیع‌تر و گروهی تشویق می‌کند. روابط اجتماعی در اسلام به‌عنوان معامله بوده که شامل تعامل، همکاری، اظهار مهربانی و فایده رساندن به دیگران و اجتناب از صدمه زدن به آنها می‌شود. مصابره و مرابطه دو مفهوم و دستور قرآنی هستند که به هدف استحکام روابط اجتماعی در جامعه اسلامی به آنها توصیه شده است. روابط مستحکم اجتماعی در قرآن مجید با تعبیر "برادری" به‌عنوان زیربنای فعالیت‌های همگانی جامعه مسلمانان مورد تأکید قرار گرفته است: "همانا مؤمنان با هم برادرند، پس همیشه میان برادران خود صلح دهید و از خدا پروا دارید" (دانشپور و روستا، ۱۳۹۲، ص ۱۵). اسلام به رفتارهای اجتماعی بسیار اهمیت می‌دهد و این مهم به وضوح در آیات و احادیث دیده می‌شود. اساس اجتماعی دین اسلام را می‌توان بر مهرورزی، محبت، کمک به مردم، احسان و رفتاری متناسب با کمالات اخلاقی دانست.

۶-۶. همسایگی؛ همسایگی در اسلام از اهمیت زیادی برخوردار است و پیامبر اسلام ﷺ فرمودند "جبرئیل در مورد حقوق همسایه چنان به من سفارش می‌کرد که من پنداشتم همسایه از همسایه ارث خواهد برد. همسایه‌ها در اسلام رابطه نزدیک و تنگاتنگی با هم دارند و رسول خدا مسلمانان را به امانت دادن وسایل خود به همسایگان سفارش فرمودند و عاریه ندادن آنها را گناهی بزرگ برشمردند (کلاتتری و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۱). همچنین امام علی (علیه السلام) در اهمیت همسایگی فرمودند: "خدا را خدا را در مورد همسایگان، زینا پیامبر ایشان را مورد سفارش قرار داد و آن قدر توصیه کرد که گمان بردیم به زودی برایشان حق ارث تعیین خواهد کرد (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۶۹). در این نگاه همسایگی، روابطی بین شهروندان حاکمیت می‌یابد که در آن از یک سو آرامش و اطمینان خاطر در زیست جمعی برای همه فراهم می‌گردد و از سوی دیگر، امنیت محلات شهری در بستر رعایت هنجارها و قواعد تضمین می‌شود (بیات، ۱۳۹۳، ص ۱۶۰). به گفته هشام مرتضی، اسلام به‌گونه‌ای استثنایی، همسایه‌داری را به‌مثابه ستون فقرات امت می‌داند و برای آن مجموعه‌ای از اصول اخلاقی در نظر گرفته است که به نوبه خود تکالیفی هستند که به بهبود، ارتقا و کنترل همسایه‌داری کمک می‌کند. حفظ حقوق همسایه و تلاش به برقراری روابط مستحکم همسایگی، از مهم‌ترین وارد توصیه شده در اسلام به منظور تحقق یک همسایگی اسلامی است (دانشپور و روستا، ۱۳۹۲، ص ۱۴).

۷-۶. الگوی حضور و تعامل در اجتماع: دین اسلام از آغاز شروع خود بر مساجد به‌عنوان

پایگاه اصلی ساختار زیست اجتماعی تأکید ویژه دارد. مسجد به‌عنوان کانون عبادی، اجتماعی و فرهنگی، هویت دیرپایی دارد که هرگز نمی‌تواند از ساختار اجتماعی و شهری آن جدا شود (بیات، ۱۳۹۳، ص ۱۵۷). مسجد محوری یکی از مهم‌ترین اصول معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی است. مساجد اولین و شاخص‌ترین عنصر شهرهای مسلمانان هستند که علاوه بر نقش مذهبی، نقش اجتماعی و نشانه شهری را نیز ایفا می‌کنند. تأسیس مساجد از مصادیق روشن باقیات صالحات است. هشام مرتضی مسجد را یکی از ارکان اصلی شهرهای اسلامی دانسته و آن را محل برگزاری نماز که یکی از پنج رکن دین اسلام و والاترین نوع بندگی خداوند است؛ می‌داند. مساجد با توجه به اهمیت و جایگاه والایشان در شهرهای مسلمانان از صالح‌ترین عوامل هویت‌دهنده همه مجتمع‌های زیستی مسلمانان بوده‌اند، علاوه بر آن نقش پررنگی در ایجاد سرزندگی و پایداری اجتماعی و کالبدی محلات شهرهای اسلامی دارد (مشکینی، ۱۳۹۴، ص ۲۲).

رعایت حریم و محرمیت یکی از اصول و روش‌های تنظیم ارتباط با دیگران است. در اندیشه اسلامی حریم شخصی، خانوادگی جایگاه ویژه‌ای دارد و از منظر آموزه‌های دینی، دارای حرمت بالایی است. این ارزش و هنجار اسلامی در همه شئون زندگی جمعی مسلمانان تجلی یافته است و در حجاب و پوشیدگی خانه مسلمانان، پوشیدگی زندگی، جدایی جنسیتی از طریق تفکیک اخلاقی، اجتماعی و شکل‌گیری اخلاق شهروندی تحقق یافته است (بیات، ۱۳۹۳، ص ۱۴۹-۱۵۰). درون‌گرایی برای ایجاد محرمیت از طریق سلسله مراتب یکی از راهکارهای تحقق آن محسوب می‌شود (مشکینی، ۱۳۹۴، ص ۲۴). محله محوری در برنامه‌ریزی و طراحی شهر اسلامی یکی از راهبردهایی است که می‌تواند به تحقق و تعمیق ویژگی‌های اجتماعی شهر اسلامی کمک نماید. اساس جامعه اسلامی مسلمانان اعتقاد یا ایمانی است که بنیانش بر پایه توحید قرار گرفته است. این جامعه نتیجه یک انتخاب آگاهانه و حاصل یک پیمان است که بین بشر و خالق منعقد می‌گردد. اسلام دینی است که جهت‌یابی آن به سوی جامعه بوده و با تعبیر مفهوم اّمت که همان جامعه مسلمان است یافت می‌شود. اسلام متعهد به تشکیل اّمت، که لازمه آن استحکام واحدهای اصلی اجتماعی (یعنی خانواده‌ها، محله و اصل همسایگی) می‌باشد را تقویت می‌کند محله به‌عنوان یکی عناصر اصلی شهر مطرح بوده و محله محوری به‌عنوان اصل تأثیرگذار در شهر ایرانی اسلامی در هویت‌یابی آن مؤثر است (مشکینی، ۱۳۹۴، ص ۲۵). معیار شهرهای اسلامی را محله تعیین می‌کند. محله جایی است که مردم به لحاظ فرهنگی و اجتماعی کاملاً همدیگر را می‌شناسند و بر یکدیگر نظارت دارند. هر محله دارای مساجدی در فضای عمومی محله است که محل ارتباطات اجتماعی و سمبل نگرش‌های مذهبی افراد محل محسوب می‌شود (بیات، ۱۳۹۳، ص ۱۶۱).

رعایت عفت و حیا به‌ویژه در اجتماع و فضاهای عمومی و نیمه عمومی و تعامل با دیگران یکی از وظایف و تکالیف مسلمانان است. دین اسلام به حضور هدفمند و عقیف در اجتماع تأکید دارد. بایدها و نبایدهای اسلامی برای حضور در فضاهای عمومی شامل پرهیز از حضور بی‌مورد و بی‌هدف و رعایت عفت و حیا و پرهیز از خودنمایی و تظاهر می‌باشد. از جمله این مؤکدات، حدیث پیامبر ﷺ است که می‌فرماید: "بازارها بدترین جای نشستن و مساجد بهترین جای نشستن هستند". پیامبر در حدیثی دیگر می‌فرماید: "بدترین مکان‌های زمین محل‌های خرید و فروش اجناس و امتعه است، و آنجا میدان مسابقه ابلیس است" (حمزه‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۳۰). همچنین امام علی (علیه السلام) در نامه‌ای به حارث همدانی، است که می‌فرماید: "بر تو باد به سکونت در شهرهای بزرگ، از پاتوق‌های بازارها پرهیز که محل حضور شیطانند و عرضه‌گاه فتنه‌ها و گمراهی‌ها" (نهج البلاغه، نامه ۶۹).

۶-۸. احترام و تواضع: تواضع و فروتنی در دین اسلام و مذهب تشیع و منابع اصیل آن به‌ویژه آیات و روایات از جایگاه والایی برخوردار است. خداوند در سوره نحل می‌فرماید: «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ»؛ خداوند متکبرین را دوست ندارد (نحل، ۲۳). همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»؛ بندگان خدای رحمن آن کسانی که سنگین و با تواضع روی زمین راه می‌روند و چون جهالت‌پیشگان خطابشان کنند سخن ملایم گویند (فرقان، ۶۳). در احادیث درباره احترام نهادن پیامبر اکرم ﷺ به مردم و مصادیق آن موارد متعددی ذکر شده است که به‌طور خلاصه می‌توان گفت: در روایات هم احترام گذاردن به دیگران یکی از حقوقی مسلمانان و افراد در اجتماع بیان شده است که هر فردی باید آن را عمل کند. به‌طوری که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: کسی که بزرگ ما را احترام و کوچک ما را رحم نکند از ما نیست. در سیره پیامبر ﷺ روایات متعددی از تواضع ایشان نقل شده، که تواضع نزد پیامبر ﷺ با بر روی خاک نشستن، با محرومان و فقیران دمساز بودن از دوره کودکی محبوب بود و برای تواضع در برابر خداوند، همچون بندگان (بدون تکیه زدن بر جایی) می‌نشست و همچون بندگان غذا می‌خورد، بر کودکان سلام می‌کرد. در دعاها منقول از امامان شیعه، تواضع از اموری است که مؤمن از خدا درخواست می‌کند. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: مردم یا برادر دینی تواند و یا در آفرینش همانند تو هستند. بنابر احادیث امامان شیعه، مؤمن وظیفه دارد نسبت به دیگر مؤمنان متواضع باشد و از فخرفروشی به آنان پرهیزد. به نظر می‌رسد که مؤمن چون ارزشمندی امور را با ملاک دوری و نزدیکی به خدا می‌سنجد و معیار ارزش نعمت‌های دنیوی را با توجه به آخرت تعیین می‌کند، در نتیجه تلاش دارد از سر فروتنی حیات سعادت‌مندان‌ای در پیش گیرد و زندگی‌اش را با فقیرترین انسان‌ها همسان سازد.

۶-۹. فرهنگ خرید و مصرف: خداوند مظهر همه کمالات و خوبی‌ها و عالی‌ترین واقعیت جهان هستی است و خوشبختی انسان در این است که با شکوفایی استعدادهای درونی‌اش به خداوند نزدیک شود: «وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه، ۷۲؛ فرج، ۱۳۹۰، ص ۷۱). قرآن کریم به صراحت مسلمانان را به مسابقه در خیرات فراخوانده است؛ با این حال، دستیابی به حداکثر خیر و نیکی در زمینه تخصیص درآمد، از دیدگاه قرآن کریم به رعایت اعتدال و توازن منوط است: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان، ۶۷). اسلام اصل میانه‌روی را رمز کامیابی دانسته و معیارهای کلی روش اعتدال‌آمیز را بیان داشته است از این‌رو مصرف‌کننده مسلمان برای دستیابی به حداکثر پاداش الهی، در تمام موارد تخصیص درآمد به اعتدال عمل می‌کند (فرج، ۱۳۹۰، ص ۷۲). قرآن کریم بایدها و نبایدهایی را برای مصرف‌کننده انسان بیان نموده است که شامل میانه‌روی، تعادل، توازن، کمک به دیگران و پرهیز از اسراف و تجمل‌گرایی و ثروت‌دوستی و... می‌باشد.

جدول ۵: بایدها و نبایدها در شکل‌گیری مصرف فرد از دیدگاه قرآن کریم (فرج، ۱۳۹۰، ص ۷۳)

بایدها	نبایدها	
۱	قصد قرب الهی	عدم اسراف و تبذیر
۲	آگاهانه بودن	عدم اتلاف
۳	رعایت میانه‌روی	عدم افراط و تفریط
۴	داشتن کارایی	نفی سبیل
۵	کمک به دیگران	عدم اقتدار
۶	رعایت اولویت‌ها	عدم کنز
۷	رعایت عادل و توازن	عدم تجمل‌گرایی
۸	حلال بودن منبع درآمد	عدم اضرار به دیگران
۹	تخصیص منابع به نیازها	عدم بی‌تفاوتی نسبت به دیگران
۱۰	رعایت کفاف	عدم مشقت خود و افراد تحت تکفل
۱۱	رعایت زهد	عدم انحراف از اصول شرعی
۱۲	رعایت محیط زیست	عدم فخرفروشی و مباهات
۱۳	شکرگزاری	عدم مصرف کالاهای حرام
۱۴	ملاحظه جامعه مسلمین	عدم مزاحمت نسبت به منفعت دیگران
۱۵	مواسات در مصرف	عدم توجه به نیاز کاذب
۱۶	لحاظ باور به جهان آخرت	ریاضت منفی
۱۷	سازگاری در تأمین نیازها	مال و ثروت‌دوستی
۱۸	اعتماد به خدا در رزق	نامیدی و امید به غیرخدا

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

انسان موجودی اجتماعی است و برای زندگی اجتماعی که امری ضروری و بدیهی است به نظم نیاز دارد تا بتواند ضمن تأمین نیازهای خویش با سایرین تعامل مطلوب داشته باشد و با مشارکت در اجتماع زندگی کند. تحقق نظم اجتماعی، فقط از طریق قوانینی جامع امکان‌پذیر است که وحدت اجتماعی و مرزهای اعتقادی را رعایت نمایند. دین اسلام دارای نظامی جامع شامل قوانین شریعت و احکام اسلامی برگرفته از آیات قرآن و احادیث پیامبر ﷺ و امامان معصوم است که نظم شهر اسلامی را تبیین می‌کند. مهم‌ترین قاعده تنظیم‌کننده روابط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در شهر اسلامی همان قوانین و احکام شریعت از جمله قاعده حلال و حرام است که به رفتارها، تعاملات و امور مسلمانان در شهر اسلامی اجتماعی نظم می‌بخشد. نظم اجتماعی می‌بایست در اموری همچون نحوه حضور افراد در اجتماع، داد و ستد، خرید و مصرف، گردش و تفریح قابل ملاحظه باشد.

جدول ۵: الگوها و احکام ثابت در نظام فرهنگی و اجتماعی (مأخذ: نگارنده)

نظام اجتماعی	الگوهای اجتماعی	قوانین شریعت	آسیب‌ها و معضلات مربوطه در شهرهای مسلمانان
مشارکت اجتماعی	همیاری تعاون و همکاری همگرایی و وحدت اجتماعی مسجدمحوری و محله‌محوری	خدمت‌محوری - مسجدمحوری - اصالت خانواده - نوع‌دوستی - احسان - کمک به نیازمندان - احترام و تواضع - شرکت در نماز جماعت	شکاف طبقاتی - تظاهر و خودنمایی - فردگرایی و انزوا
عدالت اجتماعی	رعایت حقوق دیگران	عدالت - برابری - رعایت حقوق سایرین - تقوی	مصرف‌گرایی - شکاف طبقاتی - مال‌اندوزی و دنیاپرستی -
انجام تکالیف دینی	انجام واجبات دینی ترک محرمات	قاعده حلال و حرام انجام واجبات و ترک محرمات	زواج بی‌بند و باری، فساد و...
نظارت اجتماعی	امر به معروف نهی از منکر	قاعده حلال و حرام - تقوی - تشویق به انجام واجبات و دوری از امور حرام	بی‌تفاوتی نسبت به منکرات
تعاملات مستحکم اجتماعی	تعامل و ارتباط اجتماعی مستحکم تعاون و همکاری احترام و تواضع	تعاون و همکاری، اظهار مهربانی، فایده رساندن به دیگران و اجتناب از صدمه زدن، وحدت اجتماعی	نبود روابط اجتماعی مطلوب - فردگرایی - منفعت‌گرایی بیش از حد
همسایگی	همسایه‌داری، برادری، همیاری، مشارکت، شورا، کمک به حل مشکلات همسایه	برادری و احساس مسئولیت نسبت به همسایه‌ها و حقوق آنها	نبود روابط همسایگی، بی‌اعتمادی و بی‌تقوایی نسبت به همسایه‌ها
حضور در اجتماع	حضور هدفمند و منطقی حضور با عفت و حیا و حریم و محرمیت	رعایت عفت و عیا، تقوی	پرسه افراد در فضاهای عمومی
خرید و مصرف	خرید هدفمند و ضروریات مصرف هدفمند و منطقی	تقوی، دوری از ربا و خودنمایی	مصرف‌گرایی، چشم و هم‌چشمی، تظاهر، مال‌اندوزی و...

به‌طور کلی در پاسخ به پرسش‌های پژوهش می‌توان گفت که اصول و مبانی نظم اجتماعی در شهر اسلامی براساس قواعد و احکام شریعت تعیین می‌شوند، که شامل باید‌ها، نبایدها، شایسته‌ها و بایسته‌هایی است و تحقق آنها در شهر به‌ویژه در بُعد اجتماعی، شکل و محتوای آن را به اصول دین اسلام پیوند زده و در شهر اسلامی به جلوه درمی‌آید؛ بنابراین مبانی نظم اجتماعی در شهر اسلامی همان قوانین شریعت اسلامی است که در اصول و فروع دین اسلام به صراحت بیان شده است. همچنین تحقق نظم اجتماعی در شهر اسلامی در عرصه عمل، به کیفیت مدیریت و حکمرانی معطوف به قوانین شریعت و پایبندی اجتماع به قوانین شریعت بستگی دارد. به‌طور خاص حاکمیت قاعده حلال و حرام در امور اجتماعی، منجر به ظهور و شکل‌گیری نظم در شهر مسلمانان می‌شود که همان نظم برخاسته اسلامی از شریعت اسلامی است. این احکام در وضعیت کنونی شهر مسلمانان، در روابط همسایگی، هم‌محله‌ای و شهروندی، با چالش جدی مواجه است که نیازمند تعمیق و آسیب‌شناسی است، به‌طوری‌که ادامه روند فعلی می‌تواند به بروز محتوای ناهمخوان با شریعت و احکام اسلامی منجر شود.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم

۱. اشرف، احمد (۱۳۵۳)، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، مجله‌نامه علوم اجتماعی، شماره چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۷-۴۹.
۲. ابراهیمی دینانی، محمدحسین (۱۳۹۴)، «نظم الهی و رابطه آن با نظم بشری»، مقاله (سخنرانی) ارائه شده در نوزدهمین همایش ملی حکیم ملاصدرا، با محوریت موضوع «فلسفه و نظم عمومی».
۳. ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۸۷)، «ثبات و تحول در جامعه شناسی سیاسی فارابی»، مجله سیاست، ص ۱۷-۴۳.
۴. اتینگهاوزن، ریچارد (۱۳۷۸)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: سمت.
۵. اعوانی، غلامرضا (۱۳۹۴)، «نظم اجتماعی، نظم جهانی و نظم الهی»، مقاله (سخنرانی) ارائه شده در نوزدهمین همایش ملی حکیم ملاصدرا، با محوریت موضوع «فلسفه و نظم عمومی».
۶. بemat، نجم‌الدین (۱۳۸۷)، «اصطلاحات و تشبیهات معماری در قرآن»، مجموعه مقالات کنگره معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم-کرمان، جلد اول، ترجمه محمدحسین حلیمی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۷. بیات، بهرام (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، «رویکرد اسلامی به شهر؛ ویژگی‌های شهر اسلامی»، فصلنامه علمی و پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، سال چهارم، شماره اول، ص ۱۳۷-۱۶۷.
۸. پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۴)، «انواع شهر اسلامی و اشاراتی به نحوه شاخص‌سازی در راستای شهر آرمانی اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال سوم، شماره هشتم، تهران، ص ۳-۲۱.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴)، مفاتیح‌الحیاه، چاپ اول، ویراست دوم، قم: نشر اسراء.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، فطرت در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۱. جهانبخش، حیدر و علی دل‌زنده (۱۳۹۳)، «بازشناسی اصول، مؤلفه‌ها و شاخص‌های فطری سازمان‌بندی شهر اسلامی با رویکرد اجتماعی کالبدی، دانشگاه علم و صنعت ایران، قطب معماری اسلامی»، فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره چهارم، سال اول، ص ۷۷-۹۶.

۱۲. جهانگیر، عیسی (۱۳۸۳)، «گذری بر اندیشه‌های اجتماعی علامه طباطبایی»، مجله معرفت، شماره هشتادم، سال سیزدهم، شماره ۵، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله، ص ۱۹-۲۸.
۱۳. حکیم، سلیم بسیم (۱۳۸۱)، شهرهای عربی-اسلامی، اصول شهرسازی و ساختمان، ترجمه محمدحسین مالکی و عارف اقوامی مقدم، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. حمزه‌نژاد، مهدی؛ صدیقه معین‌مهر و پریا سعادت‌جو (۱۳۹۳)، «بررسی اجتماع‌پذیری فضاهای تجاری در رویکرد اسلامی»، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره هیجدهم، ص ۲۵-۳۸.
۱۵. خالدیان، ستار و دیگران (۱۳۹۳)، «تبیین جایگاه اسلام در روند شهرنشینی و سازمان فضای شهری ایران»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره هفدهم، ص ۵-۱۸.
۱۶. خامنه‌ای، سیدمحمد (۱۳۹۴)، «نظم تشریحی و تکوینی»، مقاله (سخنرانی) ارائه شده در نوزدهمین همایش ملی حکیم ملاصدرا، با محوریت موضوع فلسفه و نظم عمومی، مجموعه چکیده مقالات برگزیده همایش.
۱۷. دانشپور، سیدعبدالهادی و مریم روستا (۱۳۹۲)، «چارچوب مفهومی اجتماع پایدار در جهان‌بینی اسلامی و سنت شهرسازی مسلمانان»، فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی، سال اول، شماره اول، ص ۹-۲۴.
۱۸. راپاپورت، ایمس (۱۳۸۵)، منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی (بخش آخر در کتاب تاریخ شکل شهر)، ترجمه راضیه رضازاده، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ص ۴۰۹-۴۴۵.
۱۹. ربانی، رسول (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی شهری، با همکاری فریدون وحید، چاپ دوم، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان با همکاری سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
۲۰. سلطانزاده، حسین (۱۳۹۳)، تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران از دوره باستان تا سال ۱۳۵۵ ش، چاپ اول، تهران: انتشارت چهارطاق.
۲۱. صاحبی، محمدجواد (۱۳۶۸)، «فلسفه سیاسی از دیدگاه علامه طباطبایی»، کیهان اندیشه ۱۳۶۸، شماره بیست و ششم، قابل دسترسی در پایگاه مجازی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۶)، ادراکات اعتباری علامه طباطبایی و فلسفه فرهنگ، تدوین: علی اصغر مصلح، تهران: انتشارات روزگار نو.

۲۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۷)، معنویت تشیع به ضمیمه چند مقاله دیگر، گردآوری توسط محمد بدیعی با مقدمه علامه حسن‌زاده آملی، چاپ چهارم، قم: انتشارات تشیع، ص ۷۵-۷۹.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۰)، تفسیر المیزان، ج ۲، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ص ۱۱۵-۱۲۲.
۲۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۰)، تفسیر المیزان، ج ۵، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ص ۱۲-۱۷.
۲۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۶ق)، «بررسی‌های اسلامی»، مجموعه مقالات و رسائل، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۷. عثمان، محمد عبدالستار (۱۳۷۶)، مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، تهران: امیرکبیر.
۲۸. عمید، حسن (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ هشتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۹. فارابی، ابونصر (۱۳۵۸)، سیاست مدینه، ترجمه سیدجعفر سجادی، چاپ اول، تهران: انتشارات انجمن فلسفه ایران.
۳۰. فارابی، ابونصر محمد (۱۳۹۳)، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، سیدجعفر سجادی، چاپ اول، تهران: کتابخانه طهوری.
۳۱. فرج، ابراهیم (۱۳۹۰)، «طراحی الگوی سعادت‌محور مصرف»، دو فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، سال چهارم، شماره اول، ص ۶۷-۹۱.
۳۲. کاستللو، فرانسیس وینسنت (۱۳۶۸)، تاریخ مهندسی در ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات گویش.
۳۳. کاستللو، فرانسیس وینسنت (۱۳۶۸)، شهرنشینی در خاورمیانه، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، چاپ اول، تهران: انتشارات نی.
۳۴. کلانتری خلیل‌آباد، حسین؛ مهدی حقی و محسن دادخواه (۱۳۹۳)، «مؤلفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی و اسلامی»، فصلنامه علمی و پژوهشی نقش جهان، سال چهارم، شماره یک، ص ۱۷-۲۶.
۳۵. کرباسی، عاطفه (۱۳۹۱)، «معماری امروز و ابهامی در باب ثابت و متغیر»، فصلنامه علمی و پژوهشی هنرهای زیبا، دوره ۱۷، شماره سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۶۱-۷۰.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱)، اصول کافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، ج ۱، ص ۵۸، حدیث ۱۹، بیروت.
۳۷. لیتکوهی، ساناز و سپیده سنجر (۱۳۹۳)، «مقایسه معیارهای کیفیت زندگی شهری در نظریات معاصر و مفاهیم استخراج شده در خصوص شهر اسلامی بر مبنای علل چهارگانه معماری»، فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی، سال اول، شماره دوم، ص ۴۱-۶۴.

۳۸. محقق داماد، محمدحسین (۱۳۹۴)، «نظم هستی و بایستی از دیدگاه ملاصدرا کتاب تکوین و تدوین»، فصلنامه خردنامه صدرا، شماره ۸۰، ص ۵-۱۲.
۳۹. مشکینی، ابوالفضل (۱۳۹۴)، «تدقیق مفهومی و تشریح راهکارها و شاخص‌های تحقیق‌سنجی چهار اصل مسجدمحوری، محله‌محوری، درون‌گرایی و طبیعت‌گرایی در شهر ایرانی اسلامی»، فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی، سال سوم، شماره هشتم، ص ۱۸-۳۴.
۴۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، فطرت، قم: انتشارات صدرا.
۴۱. مطهری، مرتضی (۱۳۹۱)، کلیات علوم انسانی، (۲۹: کلام-عرفان-حکمت عملی، قم: انتشارات صدرا.
۴۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: انتشارات صدرا.
۴۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، ده گفتار، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات صدرا.
۴۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، شش مقاله، چاپ اول، تهران: انتشارات صدرا.
۴۵. موریس، جیمز (۱۳۸۱)، تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی، جلد ۲: شهرهای اسلامی خاورمیانه و امپراتوری اسپانیا، ترجمه راضیه رضازاده، تهران: مهندسین مشاور فجر توسعه.
۴۶. نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۸)، «طرح کلی برنامه احیای شهر اسلامی»، کتاب ماه هنر، دی‌ماه، شماره ۱۳۶.
۴۷. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۴)، «آموزه‌های قرآنی و شهر آرمانی اسلام»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، تهران، سال سوم، شماره هشتم، ص ۴۶-۶۷.
۴۸. هیلن براند، رابرت (۱۳۷۷)، معماری اسلامی، ترجمه ایرج اعتصام، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
49. Hsieh, Hsiu-Fang & Sarah E. Shanon (2005), Three Approaches to Qualitative Content Analysis, Qualitative Health Research, November 2005- p 1275-1288.
50. Savory, R. M. (1979): Isamic Civilization, Cambridge University Press.